

تصویری از سپیده دم تاریخ

5-1- در سپیده دم تاریخ (مثلاً ۱۵۰۰ پ.م.) یونانیان همچون مردمی نیمه

بیابان نشین آریایی جلوه گر می شوند که خردخرد به سوی چراگاههای جنوب به بالکان

روانند و با تمدن کهن اژه که کنوسوس جلوه گاه آن بود برخورد می کنند و با آن

مـی جنگند و در مـی آمیزند .

در شعرهای هومر ، این قبیله های یونانی به یک زبان مشترک سخن می گویند و یک

سنت مشترک که در شعرهای حماسی آمده است ایشان را یک پارچه نگاه می دارد. در

عین اینکه یگانگی آنان چندان استوار نیست، همه قبیله های مختلف خویش را به نام

هلنس (Hellenes) می خوانند. شاید در گروه های متعدد به یونان آمده باشند. مثلاً

ایونیان و اولیان و دوریان (Ionians, Eolians, Dorians) لهجه های بسیار

فراوان داشتند. ایونیان گویا پیش از دیگران آمده و با مردم متمدنی که بر آنان چیره

گشته بودند سخت در آمیختند. مردم شهرهایی مانند آتن و ملطیه شاید از نظر نژادی

کمتر ریشه ی نزدیک داشته باشند تا مدیترانه ای. دوریان گویا باز پسین و نیرومندترین و

کم تمدن ترین این نو رسیدگان باشند. این قبیله های هلنی تمدن اژه ای را که پیش از

آمدن ایشان در سرزمینهای شمال شرقی مدیترانه گسترش یافته بود درهم شکسته و برانداختند و بر فراز خاکستر آن تمدنی از خویشان بنیاد افکندند. ایشان به دریانوردی پرداختند و از راه دریا و جزیره‌ها به آسیای صغیر راه جستند و از تنگه‌های داردانل و بسفور گذشته و در کرانه‌های شمال دریای سیاه جای گرفتند. همچنین از سوی مغرب به جنوب ایتالیا راه جستند که سرانجام Magna- Craecia یا یونان بزرگ نام گرفت و نیز در کرانه‌های شمال مدیترانه پراکنده شدند. شهر ماری را در جایگاه یک آبادی فینیقی بر پا داشتند در سیسیل به هم چشمی فینیقیان در ۷۳۵ پ. م. ساکن شدند.

بعد از هلنیه

2-5 به دنبال یونانیان اصلی قبیله‌های خویشاوند آنان مانند مقدونیان و تراکیان آمدند و در سوی چپ تراکیان فریگیان از بسفور گذشتند و به آسیای صغیر راه یافتند. همه‌ی این گستردگی یونانیان پیش از آغاز تاریخ و خط و کتابت روی داد. در سده‌ی هفتم پ. م. (یعنی به هنگام اسارت یهود در بابل) آثار جهان کهن پیش از تمدن یونانی در اروپا برافتاد و ناپدید شد. صیدا و کنوسوس دیگر اهمیت خود را از دست داده و از

میسن و تروا تنها افسانه‌ای مانده و شهرهای بزرگ جهان نوبنیاد یونان همانا آتن و

اسپارت (پایتخت لاکدمون) و کرنه و طب و ملطیه اند. این جهانی که پدران ما آن را

« یونان کهن » نامیدند برفراز ویرانه‌های فراموش شده‌ی آبادیهایی برپا شد که در هنر

و تمدن دست کمی از تمدن یونان کهن نداشتند و امروزه تازه بر اثر کوشش کاوشگران

از آن آگـاهی _____ می‌یابیم .

جلوه‌های یونان کهن _____

3-5 جلوه‌های یونان کهن که از آن سخن خواهیم گفت هنوز در خیال و در

سازمانهای اجتماعی آدمیان زنده مانده است. زیرا که زبان آن زمان آریایی دلنشین و

زیبا و بسیار رسا بود که با زبانهای ما بسیار همانند است و از آن رو که الفبای

مدیترانه‌ای را گرفته و با افزودن حروف با صدا تکمیل کردند هنر خواندن و نوشتن را

آسان ساختند و بسیاری توانستند آن را فراگیرند و سرمایه‌ای برای اعصار بعد بر جای

گذاشتند .

جلوه‌های تمدن _____ هلنی چیست؟

4-5 اینک این تمدن یونانی که در جنوب ایتالیا و یونان و آسیای صغیر در سده‌ی هفتم پ.م. رو به پیشرفت گذاشت تمدنی است که از بسیاری جهات مهم از دو تمدن دره‌ی نیل و دو رود بین‌النهرین فرق داشت. این تمدنها در قرون بسیار پیشرفت کرد و آهسته و کند برفراز زندگی وابسته به پرستشگاه و کشاورزی بدوی و کاهن شاهان و خدایان کشور شهرهای نخستین به امپراطوری مبدل شد. اما یونانیان گلهدار وحشی و مهاجم به سوی جنوب به جهانی روی آوردند که تمدن آن در آن هنگام، کهن گشته بود. کشتی‌رانی و کشاورزی و شهرهای بارودار و خط پیدا آمده بود. یونانیان تمدنی از آن خویشتن پدید نیاوردند. تمدنی را تباه ساختند و از ویرانه‌های آن تمدنی دیگر سر هم کردند.

یونان بدون کاهن - پادشاه

5-5 باید بیفزاییم که در تاریخ یونان اثری از تنها تفاوت واقعی میان «الیگارش‌ی» و دموکراسی یونانی آن بود که در الیگارش‌ی مردم تنگدست و نا مهم حق رأی نداشتند و در دموکراسی همه‌ی شهریان حق رأی داشتند. ارسطو در کتاب سیاست، نتایج عملی این تفاوت را بسیار آشکار بیان می‌کند. در الیگارش‌ی میزان مالیات بر شانه‌ی توانگران

سنگینی نمی کرد. اما در دموکراسیها مالیات توانگران سنگین بود و به تهیدستان بیشتر کمک خرج می دادند.

مرحله ی کشور - پرستشگاهی و کاهن - شاهی نیست. یونانیان بلافاصله به سازمان شهری که در مشرق زمین به گرد پرستشگاه پدیدار شد، رسیدند. آنچه بیشتر در ایشان از ظواهر شهری اثر گذاشت دیوارهای پیرامون آن بود. در این امر تردید داریم که آنان بی درنگ به زندگی شهری خو کرده باشند. نخست در روستاهای بی حصار بیرون شهرها

که به دست ایشان ویران شده بود زیستند و آن شهرها همچون سرمشقی در برابر چشم آنان قرار داشت. نخست شهر را جای امنی در هنگام زد و خورد پنداشتند . پرستشگاه را هم برای شهر طبیعی یافتند. آنان این میراث را از تمدن گذشته یافتند و هنوز هم اندیشه ها و سنت سرزمینهای پر جنگل در فکر ایشان ریشه ای ژرف داشت.

نظام پهلوانی جامعه ی ایلباد این سرزمین را فرا گرفت و با وضع جدید سازگار شد. هر چه زمان می گذرد یونانیان به دین و خرافات گرایش بیشتری می یابند. پنداری ایمان و اعتقادات قوم شکست خورده از پایین به ایشان رسوخ می کند .

ساختمان اجتماعی - یونانیان

5-6- ساختمان اجتماعی آریاییان نخستین بر نظامی دو طبقه‌ای مبتنی بود از اشراف

و مردم عادی که چندان مرز مشخصی میان آنان نبود و به هنگام جنگها پادشاهی که

تنها رئیس یک خانواده‌ی اشرافی بود با عنوان *primus inter pares*: یعنی رهبر

در میان همگان و برابری، مردم را فرمانروا می‌شد. پس از شکست دادن مردم بومی و

ساختمان شهرها، دو طبقه‌ی دیگر از کارگران کشاورز و کارگران ماهر و غیر ماهر در

پایین دو طبقه‌ی برشمرده شده افزوده می‌شد. اینان بیشتر بنده بودند. اما در همه‌ی

اجتماعات یونانی از این‌گونه مردم «پیرومند» اشرافی و عادی نبودند. بعضی شهرها از

«پناهندگان» تشکیل می‌شد که همانا مردم شکست یافته و گریخته در آنها گرد آمده

بودند و در آنها دیگر دو طبقه‌ی بومی ییاد شده نبودند.

5-7- در بسیاری از اجتماعات نخستین، بازماندگان نفوس قدیم، طبقه‌ی فرمانبر را

تشکیل می‌دادند که بندگان کشور بودند مانند هلوتها در اسپارت. اشراف و مردم عادی

ملاک و کشاورزان ارباب شدند. اینان بودند که کشتی‌سازی را سرپرستی می‌کردند و

سفارش می‌دادند و دست به کار بازرگانی می‌زدند. اما بعضی از شهریان آزاده‌ی

تنگدست در پی کارهای دستی رفتند یا حتی به پاروئی در کشتیها برخاستند.

کاهنانی که در یونان بودند یا متولی زیارتگاهها و یا پرستشگاهها بودند یا تشریفات قربانی گذراندن با آنها بود. ارسطو در کتاب سیاست، اینان را طبقه‌ای فرعی از طبقه‌ی رسمی خودشان می‌داند. شهریان در جوانی به سپاهیگری می‌پرداختند و به هنگام رسیدگی و خردمندی فرمانروایی می‌کردند و به پیری کاهن می‌شدند. طبقه‌ی کاهنان در مقام مقایسه با طبقه‌ی همانند در مصر و بابل کوچک و ناچیز بود. خدایان خاص یونانیان یعنی خدایان یونانیان دوران پهلوانی چنان که گفتیم آدمیانی بودند سرافرازی یافته و با آنان بی‌هراس و بیم فراوان رفتار می‌شد. فرو دست این خدایان مردم آزاده‌ی پیروزمند، خدایان دیگری از آن مردم شکست یافته می‌خزیدند که پیروانی از میان مردم زیر دست از میان بندگان و زنان می‌یافتند. از خدایان اصلی آریاییان انتظار معجزه و تسلط بر زندگی مردم نمی‌رفت. اما مردم یونان مانند مردم بیشتر کشورهای شرقی هزاره‌ی اول پ. م. بسیار پابند پیشگویی و فال‌گیری بودند. پیش‌گوی پرستشگاه دلفی به ویژه پرآوازه بود. گیلبرت موری گوید «چون پیرترین مردان قبیله از راهنمایی باز می‌ماند دست به دامن مردگان برکشیده و برجسته می‌زدند. همه‌ی پیش‌گوها بر مزار پهلوانان جای داشتند، آنان از «تمیس» راهی که باید در پیش گرفت یا به همان شیوه‌ای که امروزه روحانیون می‌کنند و می‌گویند اراده‌ی خدا چیست سخن

می گفتند». کاهنان و کاهن بانوان پرستشگاهها در یک طبقه یکی نشده بودند و نیروی

طبقه‌ی اجتماعی نداشتند. طبقه‌ی اشراف و طبقه‌ی مردم عادی گاهی با هم یکی

می شدند و حکومت را اداره می کردند. در بسیاری از کشور شهرها شمار بندگان و

بیگانگان آزاد از شهریان یعنی اشراف و مردم عادی بسیار بیشتر بود. اما حکومت تنها

در دست همان دو طبقه بود. حکومت این دو طبقه چه به بندگان و بیگانگان واقعی

می گذاشت و چه نمی گذاشت امور کشور را در دست داشت و حکومت مطلق می کرد .

-5-8- ساختمان اجتماعی یونانی با ساختمان اجتماعی پادشاهیهای شرقی تفاوت

فراوان داشت. اهمیت خاص شهریان یونانی، کمابیش نگرنده را به یاد اهمیت

بنی اسرائیل به روزگار اخیر کشور یهود می اندازد. اما از لحاظ انبیاء و کاهنان یونان با

یهود و نیز حکومت عامی یهود هیچ قابل قیاس نیست .

تفاوت بزرگ یونانیان و دیگر جوامع

-5-9- تفاوت بزرگ دیگر میان حکومتهای یونانی با هر یک از اجتماعات بشری همانا

جداسری درمان ناپذیر آنان بود. به این معنی که در تمدنهای مصر و سومر و چین و

بی گمان هند شمالی حکومت

در چند کشور - شهر مستقل شروع شد که هر شهری هم حومه‌ای تا شعاع چند میل از روستاهای مسکن کشاورزان و کشتزار داشت. سپس این کشور شهرها با هم یکی شدند و پادشاهی و امپراطوری پدید آوردند. اما در یونان تا آخر کشور شهرها استقلال خود را نگاه داشتند و با هم هرگز یکی نشدند. غالباً این را ناشی از وضع جغرافیایی یونان می‌دانند. یونان کشوری است کوهستانی با پیش آمدگیهای تند دریا در خشکی و دره‌های ژرف که راه رفت و آمد و پیوند را سخت دشوار می‌کند، چنان که کمتر شهری توانسته است سرزمینهای دیگری را تا مدتی زیر فرمان نگاه دارد. از اینها گذشته بسیاری از شهرهای یونان در جزیره‌های پراکنده در امتداد کرانه‌ها ساخته شده بودند. تا پایان تاریخ کهن بزرگ‌ترین کشور شهرهای یونان از بسیاری از دهستانهای انگلیسی کوچک‌تر ماندند و بعضی از آنها تنها چند میل بیشتر مساحت نداشتند. آتن که یکی از بزرگ‌ترین شهرهای یونان بود در اوج قدرت جمعیتی برابر سیصد هزار تن داشت. چند شهر جمعیتی بیش از ۵۰۰۰۰ تن داشتند، از این شمار نیمی یا بیش از نیمی بنده و بیگانگانه و دو سوم آزادان نیز زن و بچه بودند.

ظهر خانۀ دانهای تـ وانگر نوخاسته

5-10- حکومت این کشور شهرها در اساس تفاوت‌های کلی داشتند. یونانیان پس از چیرگی بر سرزمین یونان تا اندک زمانی فرمان پادشاهان خویش را گردن نهادند، ولی به زودی نیروی اشراف رو به افزایش نهاد. در اسپارت (لاکدمون) پادشاهان تا سده‌ی ششم پ. م. بر اورنگ خویش بودند. مردم این کشور نظامی شگفت، دو پادشاه از دو خاندان مختلف داشتند که با هم فرمانروایی می‌کردند. اما بیشتر کشور شهرهای یونان سالها پیش از سده‌ی ششم حکومت اشرافی داشتند. خانواده‌هایی که بر حسب حقوقی ارثی پشتاپشت بر اورنگ شاهی می‌نشینند پس از زمانی به سستی و تن آسانی و کم کوششی می‌رسند. چون یونانیان به دریانوردی پرداختند و مستعمره پدید آوردند و بازرگانی آنان گسترش یافت، خاندانهای توانگر نوخاسته‌ای پیدا شدند که پایگاه فرمانروایان گذشته را سست کردند و خود جای ایشان را گرفتند. این نوخاستگان، اعضای یک طبقه‌ی بزرگ فرمانروا گشتند و حکومتی بر پا کردند که الیگارش‌ی نامند و آن حکومت متنفذان یا گروهی اندک باشد. گو اینکه این اصطلاح می‌تواند گاهی برای حکومت ارثی اشراف هم صادق باشد.

جباران ک_____ه بودن_____د؟

5-11- در بسیاری از شهرها کسانی که توان کوشش فوق‌العاده داشتند از بعضی

برخوردهای اجتماعی یا اختلافات طبقاتی بهره می‌گرفتند و در کشور قدرتی کمابیش

فراوان به هم می‌رسانیدند. این چنین فرصت‌طلبی کسان در ایالات متحده آمریکا نیز

دییده شده است _____ است _____ .

در یونان این گونه کسان را جبار (Tyrants) می‌نامیدند. جبار همانند فرمانروایی بود

که ادعای قدرت پادشاه را هم می‌کرد. با این همه جبار با فرمانروا این تفاوت را داشت

که به سبب حق خانوادگی خود فرمانروایی را حق خویش می‌دانست. جباران را طبقات

تنگدست ستم‌کشیده پشتیبانی می‌کردند. مثلاً پزیزترات جبار آتن جز دوبار که در

فاصله‌ی سالهای ۵۶۰ و ۵۲۷ تبعید شد در پشتیبانی کوهستانیان تهیدست آتنی بود.

گاهی چنان که در سیسیل دیده شده است جبار جانب توانگران را در برابر تنگدستان

می‌گرفت. بعدها هنگامی که پارسیان دست به فرمانبرداری ساختن شهرهای یونانی

آسیای صغیر زدند گروهی فرمانروای هواخواه خود را بر مردم گماردند .

_____ فرق _____ جباران و پادشاهان

5-12- ارسطو فیلسوف و معلم بزرگ که در قلمرو پادشاهی ارثی مقدونی به جهان

آمد و تا چند سال آموزگار خاص پسر شاه بود در کتاب سیاست، میان پادشاهان (که به موجب یک حق پذیرفته شده و مسلم مانند پادشاه مقدونی فرمانروایی می کردند) و جباران که بی خرسندی و رضای زبردستان فرمانروایی می کردند تفاوت قائل است. اما دشوار است که بپذیریم جباری بی رضایت بسیاری از مردم و همکاری گروه بزرگی از فرودستان خویش و بی آنکه مردم از «پادشاهان راستین» خود نهایت تنفر را داشته باشند توانسته باشد فرمانروایی کند. ارسطو همچنین بر آن بود که پادشاهان، نیکی مردم را می خواهند و جباران تنها خود را. ارسطو بر پایه‌ی این اندیشه و همچنین پذیرفتن اینکه بندگی امری است طبیعی و زنان شایستگی آزادی و داشتن حقوق سیاسی ندارند با جریان امور پیرامون خویش سازگاری داشت.

دموکراسی یونانی چه بود؟ فرقی با دموکراسی امروزی چیست؟

13-5- نظام حکومتی دیگر که در سده‌ی ششم و پنجم و چهارم پ. م. در یونان رو به پیشرفت گذاشت همانا دموکراسی بود. همچنان که در جهان امروزی همواره از دموکراسی سخن می‌رود و از آنجا که اندیشه‌ی امروزی در زمینه‌ی دموکراسی با دموکراسی کشور شهرهای یونان تفاوت فراوان دارد، بهتر آن (مانند آتن و ملطیه)

رسمی داشتند به نام استراسیسم و آن عبارت بود از آنکه به روزگار فرارسیدن بحران، هر رأی دهنده‌ای نامی را بر تکه‌ای کاشی یا صدف می‌نوشت و نام هر کس که اکثریت داشت او را برای مدت ده سال تبعید می‌کردند. خواننده چه بسا چنین انگارد که این رسم بسیار بد بود. اما این خاصیت اصلی این رسم نبود. گیلبرت موری گوید که این راهی بود برای رسیدن به تصمیمی به هنگامی که افکار سیاسی چنان پراکنده و متشتت بود که امکان رسیدن به

است که مفهوم دموکراسی یونان را بررسی کنیم. در آن هنگام دموکراسی عبارت بود از حکومت به دست عموم یا Demos که همانا به معنی جمهور و همه‌ی مردم شهر باشد. یعنی حکومت اکثریت. سنتها باید برای خواننده عبارت «مردم شهری» را توضیح داد. بندگان و بندگان آزاد شده و بیگانگان و حتی یونانیان زاده شده در آن شهر که پدرشان از شهری از هشت یا ده میلی‌آن سوتر آمده باشند به حساب نمی‌آمدند . بیشتر دموکراسیهای کهن، از شهریان، شایستگی مالی می‌خواستند. شایستگی مالی عبارت بود از مالکیت زمین. از این شرح خواننده می‌تواند دریابد که دموکراسی یونان با

مفهوم دموکراسی امروز بسیار متفاوت بود. البته در آخر سده‌ی پنجم پ. م. شایستگی مالی در آتن ملغی شد. اما پریکلس که از سیاستمداران بزرگ آتن بود) و درباره‌ی او سخن خواهیم گرفت) در ۴۵۱ پ. م. قانونی وضع کرده بود که شهریان را محدود کرده بود به کسانی که از هر دو سو یعنی از پدر و مادر آتنی باشند. پس چنان که گفته شد در دموکراسیهای یونان و همچنین در حکومت‌های الیگارشسی (یا گروهی متنفذان) شهریان دست به هم داده و فرمانروایی می‌کردند و گاهی مانند آتن بر گروهی انبوه از بنندگان و بیگانگان حکومت می‌راندند.

5-14- تنها تفاوت واقعی میان «الیگارشسی» و دموکراسی یونانی آن بود که در الیگارشسی مردم تنگدست و نا مهم حق رأی نداشتند و در دموکراسی همه‌ی شهریان حق رأی داشتند. ارسطو در کتاب سیاست، نتایج عملی این تفاوت را بسیار آشکار بیان می‌کند. در الیگارشسی میزان مالیات بر شانه‌ی توانگران سنگینی نمی‌کرد. اما در دموکراسیها مالیات توانگران سنگین بود و به تهیدستان بیشتر کمک خرج می‌دادند. در آتن به شهریان وجوهی حتی برای شرکت در مجامع عمومی هم پرداخته می‌شد. غیر شهریان بیشتر کار می‌کردند و فرمانبردار بودند و اگر دادخواهی داشتند و نیاز به

پشتیبانی از قانون، ناچار دست به سوی یکی از شهریان دراز می‌کردند و از او می‌خواستند تا ایشان را حمایت کند. زیرا که تنها شهریان می‌توانستند به دادگاهها مراجعه کنند. اندیشه‌ی امروزی که هر کس که در شهری مسکن دارد، شهری شمرده می‌شود به نظر دموکراتهای آتن شگفت و ناپسند می‌نمود.

تضادها و همسوییهای پولیس (کشور - شهر)های یونان

5-15- یک نتیجه‌ی آشکار انحصار حق رأی به طبقه‌ی شهریان آن بود که میهن پرستی ایشان بسیار شدید و تعصب‌آمیز می‌شد. کشور - شهرها با یکدیگر اتحادیه تشکیل می‌دادند، ولی هرگز با هم مؤتلف نمی‌شدند. همین امر بسیار دشواریها در زندگی مردم آتن پدید می‌آورد. حدود ناچیز جغرافیای این کشورهای یونان نیز این شور میهن پرستی را شدیدتر می‌کرد؛ زیرا کسی که کشور - شهر خویش را می‌پرستید نسبت به دین و خانه‌ی خود که همه‌ی اینها به هم پیوندی استوار داشتند تعصبی سخت پیدا می‌کرد. البته بندگان چنین احساساتی نداشتند و در کشورهای الیگارشسی، چه بسا طبقه‌های محروم که در سیاست کشور دستی نداشتند و به سبب دشمنی که نسبت به طبقه‌ی فرمانروا داشتند به بیگانگان گرایش هم می‌یافتند. ولی اصلاً

میهن پرستی یونانیان شوری بود شخصی و بسیار فراوان که گاهی خطرناک می نمود و همچون عشق سرخورده چه بسا که به تنفر می انجامید. تبعیدیان یونانی همانند مهاجران فرانسوی و روسی گریخته از دست حکومت انقلابی بودند! برای رهایی میهن از دست ابلیس صفتانی که آنان را تبعید کرده بودند آماده بودند دست به هر کاری بزنند.

5-16- در سده ی پنجم پ. م. آتن همبستگیهایی با چند پولیس دیگر به هم رسانید

که مورخان از آن همواره همچون امپراطوری آتن یاد می کنند. اما دیگر کشور شهرها همه حکومت خویش را نگاه داشتند. کار مهمی که این امپراطوری انجام داد همانا نابودی کامل دزدان دریایی و دیگر برقراری گونه ای قانون بین المللی بود. قانون آتن در کشور شهرهای وابسته به این اتحادیه اجرا می شد. امپراطوری آتن در واقع از پیمان دفاعی چند پولیس در برابر حمله ی ایرانیان سرگرفت. پایتخت این اتحادیه در جزیره ی دلسوس بود.

5-17- اعضای اتحادیه در دلسوس خزانه ای داشتند که بعدها به آتن برده شد زیرا که

بیم آن می‌رفت تا ایرانیان به آنجا حمله‌ور شوند. سپس شهرها به جای دادن سپاهی پیشنهاد کمک پولی کردند. چنان که سرانجام آتن همه کاره شد و همه‌ی وجود هم به خزانه‌ی آتن می‌ریخت. یکی یا دو جزیره‌ی بزرگ هم به آتن یاری می‌کردند. بدین گونه این «اتحادیه» مبدل به «امپراطوری» شد. اما شهریان کشور شهرهای اتحادیه جز در آنجاها که پیمان اجازه‌ی ازدواج شهریان با یکدیگر و چیزهایی مانند آن داشتند، کاملاً نسبت به یکدیگر بیگانه بودند. شهریان تنگدست آتن بودند که بارگران این امپراطوری را با کار و کوشش و خدمت فراوان و پیوسته‌ی خویش می‌کشیدند. هر یک از شهریان آتنی از هیجده تا شصت سالگی چه در میهن و چه در بیرون آن مشمول خدمت نظام بود که گاهی تنها در آتن به کار می‌پرداخت و گاهی هم به دفاع از شهرهای اتحادیه که پولی به آتن می‌پرداختند گمارده بعدها در سده‌های ششم و پنجم چنان که ارسطو آورده است بی‌آنکه علت آن را به دست دهد، در نتیجه‌ی کاهش توالد و تقلیل افراد خانواده به دو یا سه تن تیره‌های اشرافی ناپدید گشتند و جنگهای آینده بیشتر نتیجه‌ی اختلافات در دادوستدها و منازعات شخصی بود تا اختلافات خاندانها.

می‌شد. هیچ مرد بیست و پنج ساله‌ای در مجلس آتن نبود که در چند جنگ در
مدیترانه یا دریای سیاه شرکت نکرده و انتظار شرکت در جنگ‌های آینده را نداشته
باشد. امپریالیسم امروزی ناپسند شمرده می‌شود از آن رو که توانگران و ملتهای
توانگرند که از دیگران بهره‌کشی می‌کنند. اما امپریالیسم آتن بهره‌کشی طبقات نسبتاً
تهیدست آتنی بود از دیگر جهانیان .

باز هم از تفاوت دموکراسی یونانیان و دموکراسی امروزی بگوئیم

18-5 تفاوت دیگر یونان آن زمان با اوضاع کنونی که از خردی کشور شهرهای یونان
ناشی شده این بود که در دموکراسیهای یونان هر یک از شهریان حق حضور و
سخنرانی و رأی دادن در مجمع عمومی را داشت. زیرا که در بیشتر این شهرها در
مجمع عمومی تنها چند صد تن فراهم می‌آمدند. بزرگ‌ترین آنها بیش از چند هزار تن
جمعیت نداشتند. این چنین چیزی در دموکراسیهای امروزی که چندین میلیون تن
رأی دهنده دارند امکان ندارد. دخالت مردم دموکراسیهای امروزه در امور کشور تنها
محدود است به حق رأی که به یکی از چند حزبی که نام آنها در برابرشان گذاشته
شده، رأی دهند و آن‌گاه باید هر چند آن حکومت بر سر کار آمده بخواهد تحمل کنند.

ارسطو که روش رأی گیری دموکراسیهای امروزی را بسیار می پسندید گوید که طبقه‌ی شهری را می توان با دعوت کردن مجمع به دفعات بسیار و نزدیک به هم از میدان به در کرد. در دموکراسیهای اخیر (سده‌ی پنجم پ. م.) حتی انتصاب مأموران رسمی جز در مورد مأمورانی که باید علم و اطلاعات مخصوص برای کار خویش داشته باشند با رأی عمومی بود. این کار برای آن بود که شهریان را از نفوذ توانگران و متنفذان و نیرومندان مصـون دارنـد .

رسم استراسیسم !

5-19- بعضی از دموکراسیها (مانند آتن و ملطیه) رسمی داشتند به نام استراسیسم و آن عبارت بود از آنکه به روزگار فرارسیدن بحران، هر رأی دهنده‌ای نامی را بر تکه‌ای کاشی یا صدف می نوشت و نام هر کس که اکثریت داشت او را برای مدت ده سال تبعید می کردند. خواننده چه بسا چنین انگارد که این رسم بسیار بد بود. اما این خاصیت اصلی این رسم نبود. گیلبرت موری گوید که این راهی بود برای رسیدن به تصمیمی به هنگامی که افکار سیاسی چنان پراکنده و متشتت بود که امکان رسیدن به بن بست در میانه باشد. در دموکراسیهای یونان احزاب و رهبران حزبی هم وجود داشت اما دولت منظمی زمام امور را در دست نداشت و جبهه‌ی مخالفی هم در میان نبود.

هرگاه رهبر نیرومندی یا گروهی نیرومند در برابر اجرای کاری که مورد توجه همگان باشد ایستادگی می‌کرد آن کار ممکن نبود به ثمر برسد، اما با این شیوه که گفتیم می‌شد آن رهبر را از سر راه اجرای کار برداشت بی‌آنکه آبروی او رفته باشد یا مایملکی از او مصدوم شده باشد.

این رسم موجب شده است که نام یکی از مردم گمنام و کم‌سواد آتن جاودانی شود. کسی به نام آریستید در دادگاهها به سبب عدالتی که در کارها داشت نامی بلند یافته بود. این مرد با تمیستوکل بر سر یک مسئله‌ی مربوط به سپاه اختلافی به هم رسانید. آریستید هواخواه تقویت نیروی زمینی و تمیستوکل خواهان نیروی دریایی بود. کار به بن بست رسیده بود که دست به سوی استراسیسم بردند و در میان آن جستند. پلوتارک گوید که آریستید به هنگام رأی‌گیری در خیابانها راه می‌رفت که به مردمی از

شهریان کشاورز که سواد نداشت برخورد. آن مرد از آریستید خواست تا نام او را بر مهره‌ی کاشی بنویسد. آریستید پرسید «مگر آریستید تو را رنجانده است؟» نه هرگز او را ندیده‌ام «اما از بس نام آریستید عادل را شنیده‌ام خسته شدم.» «آن‌گاه پلوتارک گوید: آریستید بی‌آنکه چیزی بگوید نام خویش را بر مهره نوشت... چون

کسی مفهوم این دستگاههای حکومتی یونان را به درستی دریابد و به ویژه چون از انحصار قدرتها در یک طبقه‌ی ممتاز چه در حکومتهای دموکراسی و چه در الیگارشی آگاه شود در می‌یابد که برقراری یک اتحاد میان صدها شهر یونان که در مدیترانه پراکنده بودند چقدر ناممکن می‌نمود و حتی تصور پدید آمدن همکاری مؤثر را برای رسیدن به یک هدف مشترک نیز امکان‌پذیر نمی‌نمود.

چه چیزی پولیسهای یونان را به هم پیوند می‌داد؟

5-20- هر شهری به دست چند کس یا چند صد کس بود که کروفر آنان وابستگی به استقلال و جدایی این شهر داشت. تنها حمله‌ی « بیگانه » می‌توانست آنها را یکی کند. چون سرانجام این شهرها شکست یافتند و مسخر شدند اهمیت خود را از دست دادند و در واقع فرمانبردار گشتند. با این همه همواره یک سنت مشترک پیوستگی میان همه‌ی

یونانیان وجود داشت که بر پایه‌ی زبان

مشترک و خط یکسان و حماسه‌های پهلوانی رایج میان عموم مردم و ارتباط دریایی آنها استوار بود. گذشته از اینها پیوندهای دینی نیز در میان بود. بعضی زیارتگاهها مثلاً پرستشگاه آپولون در جزیره‌ی دلوس و پرستشگاه دلفی برای بسیاری از کشورها مقدس

بود و اتحادیه‌ای برای نگهداری آنها و حفاظت زائران بر پا کردند. آیین مهم دیگری که موجب پیوستگی کشور شهرها می‌شد همانا مسابقات المپیک بود که هر چهار سال برگزار می‌شد و در آن دو و مشت‌زنی و کشتی و زوبین‌اندازی و وزنه‌پرانی و جهش و گردونه رانی و اسب‌دوانی از مسابقه‌های عمده به شمار می‌رفت و رکورد اول و نام برجستگانی را که به آن مسابقات آمده بودند ثبت می‌کردند. از ۷۷۶ پ. م. این مسابقات تا هزار سال مرتباً برگزار می‌شد. این مسابقات در حفظ زندگی مشترک یونانیان (پان هلنیسم) و دور داشتن تعصب شهری‌گری و میهن‌پرستی جاهلانه بسیار مؤثر بود.

تضاد پولیس‌ها بیشتر بود تا همسویی آنها !

-21-5 سال ۷۷۶ پ. م. که سال برگزاری نخستین المپیک باشد درگاه شماری یونان

اهمیتی فراوان دارد. این چنین شورها و همکاریها در برابر گرایش «جداسری» شدید سازمانهای سیاسی یونان ناچیز بود. از تاریخ هرودوت درمی‌یابیم که پیوسته میان کشورهای یونانی جنگ و خونریزی بی‌امان برقرار بوده است. به روزگار کهن (مثلاً سده‌ی ششم پ. م.) بسیاری از خاندانهای بزرگ در یونان برپا بودند و همچنان اندکی

از نظام خانوادگی آریایی را نگاه می داشتند و بسیار پایند احساسات سخت و شدید و

ادامه ی همیشگی خونریزی و جنگ بودند. تاریخ آتن تا سالها پر بود از جنگهای خانگی

میان دو خاندان الکمید و پیزیراتید . خاندان اخیر نیز از اشراف بودند، ولی طبقات

تنگدست از ایشان برای احقاق حق خویش پشتیبانی می کردند .

بعدها در سده های ششم و پنجم چنان که ارسطو آورده است بی آنکه علت آن را به

دست دهد، در نتیجه ی کاهش توالد و تقلیل افراد خانواده به دو یا سه تن تیره های

اشرافی ناپدید گشتند و جنگهای آینده بیشتر نتیجه ی اختلافات در دادوستدها و

منازعات شخصی بود تا اختلافات خاندانها .

-22-5 پس به آسانی می توان با در نظر گرفتن این روح جداسری یونانیان دریافت که

چرا یونانیان آسیایی و جزیره های کوچک به سرعت به فرمان پادشاهی لودی یالیدی

درآمدند و سپس بار دیگر تسلیم کوروش پادشاه ایران که کرزوس پادشاه لیدی را

فرمانبردار ساختند و گشودند .

دگرگونی اقلیمی آن دوران در اروپا و آسیا

5-23- بسیاری مطالب نادانسته درباره‌ی دگرگونیهای اقلیمی اروپا و آسیا در ده هزار

سال اخیر در میان هست. یخهای آخرین یخبندان خرد خرد پس رفتند و دورانی دراز

از دست و آب و هوای دشتی در استپهای اروپا پدیدار شد. در حدود ۱۲۰۰۰ یا

۱۰۰۰۰ سال پیش جنگلها جای دشتها را گرفتند. بر اثر این دگرگونیها شکارگران

اسبهای پست قد، جای به ماهیگیران و شکارگران آهوان جنگل ماگدالنی دادند و اینان

نیز جای به گله‌داران و کشاورزان نوسنگی پرداختند. تا چند هزار سالی هوای اروپا گویا

گرمتر از امروز بوده است. دریایی پهناور از بالکان تا آسیای میانه و تا روسیه‌ی میانه را

در برگرفته بود و بر اثر پس روی آب این دریا هوای جنوب روسیه و آسیای میانه رو به

شدت رفت و در همین هنگام نیز تمدنهای دره‌های رودها پدید آمد. بسیاری شواهد در

دست است که نشان می‌دهد هوای اروپا و آسیای غربی گواراتر و ملایم‌تر بود و نیز

گیاهان سرسبز این سرزمینها در ۴۰۰۰ تا ۳۰۰۰ سال پیش بسیار بیشتر از امروزه بوده

است. در آن روزگار در جنوب روسیه و ترکستان غربی جنگلهایی بود که امروز جای آن

را استپ و بیابان گرفته است. از سویی در میان ۱۵۰۰ و ۲۰۰۰ سال پیش سرزمین

میان آرال و خزر خشک‌تر و این دریاچه‌ها خردتر از امروز بوده .

5-24- در اینجا باید یادآور شویم که توتمس سوم فرعون مصر در حدود (سده‌ی

پانزدهم پ.م.) در آن سوی فرات گله‌ای از ۱۲۰ فیل شکار کرد. بر روی دشنه‌ای اژه‌ای

که در میسن یافته شده و تاریخ آن به ۲۰۰۰ سال پ.م. می‌رسد صحنه‌ای از شکار شیر

نقش شده است. شکارگران سپرهای بزرگ و زوبینه‌هایی دارند و به صف در پس یکدیگر

ایستاده‌اند. نخستین مرد از ایشان با زوبین بر شیر زخمی زده است و چون جانور

زخمی به سوی او می‌جهد به پشت سپرش پناه می‌جوید. و دومی زخمی به سرش

می‌زند تا آنکه شیر از پای درآید. این چنین روش را مازائیان امروز دارند و خاص

مردمی است که در سرزمین ایشان شیر فراوان باشد. فراوانی شیر هم نشانه‌ی فراوانی

شکار و شکار هم از بسیاری گیاه داستان می‌زند. در حدود ۲۰۰۰ سال پ.م. سخت

شدن اقلیم در سرزمینهای میانه‌ی جهان کهن که از آن در گذشته سخن گفتیم موجب

شد که آریاییان به سوی جنگلها و دشتهای جنوب که جایگاه مردم متمدن‌تر و آبادی

نش_____ین _____ود روان گش_____تند .

5-25- شیرگویا تا سده‌ی چهارم پ.م. در بالکان پیدا می‌شد. فیله‌ها شاید تا سده‌ی

هشتم پ.م. از آسیای غربی برافتاده بودند. شیر که بسیار بزرگ‌تر از شیرهای امروزی

بود، تا دوران نوسنگی در جنوب آلمان پیدا می شد. یوزپلنگ در یونان و جنوب ایتالیا و

جنوب اسپانیا تا آغاز دوران تاریخی (در حدود ۱۰۰۰ پ.م.) وجود داشت .

<http://www.iptra.ir>